

بازنمایی فرشته در سریال‌های ماورایی (مطالعه موردی: تحلیل نشانه‌شناختی سریال ملکوت)

تاریخ

مصطفی همدانی*

دریافت: ۱۳۹۴/۰۵/۱۹

تاریخ

پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۱۱

چکیده

سینمای ماورا از اقسام فاخر هنر هفتم است که به منظور تجسم نمایشی پدیده‌های غیبی، با رویکرد تربیتی در دهه هشتاد در تلویزیون ایران طلوع درخشده‌ای داشت. متأسفانه این ژانر نوظهور و متعالی با انتقادهای غیرفنی و گاهی سرکوبگرانه از عرصه هنر تلویزیون خارج شد و اکنون در رکود به سر می‌برد. این گونه فاخر به همان اندازه که اهمیت فرهنگی و تربیتی دارد، همواره دارای چالش‌های نظری و بیانی (فنی) خاصی بوده است. یکی از چالش‌های این ژانر نوظهور، داشتن نظام نشانه‌ای ساختمان است. نشانه‌های تصویری سریال‌های ماورایی باید قدرت معناسازی بسیار قوی‌ای داشته باشند و انطباق معنایی با آموزه‌های اسلامی از نقاط اساسی در قدرتمندی آنها است.

تحقیق حاضر در تحلیلی نشانه‌شناختی، بازنمایی «فرشته» را در سریال «ملکوت» بر اساس مطالعه تطبیقی با مبانی اسلامی فرشته‌شناسی بررسی می‌کند. این مقاله ابتدا آموزه‌های فرشته‌شناختی مورد نیاز را به عنوان مبنای نظری با تأکید بر قرآن کریم و آرای مفسران شیعه از فرهنگ اسلامی جمع‌آوری کرده و سپس با روش تحلیل نشانه‌شناختی بر اساس دو الگوی تحلیل رمزگان تلویزیونی اسلین و تحلیل هم‌زمانی (جانشین: تقابلی) سوسور-اشتراوس دال‌های معنا ساز سریال را بررسی می‌کند.

مهم‌ترین دستاوردهای این تحقیق عبارت‌اند از: ارائه مبانی نشانه‌ای تمثیل فرشته و جهان غیبی این موجود ماورایی در سینما بر اساس مبانی اسلامی فرشته‌شناختی؛ نقد بازنمایی فرشته در دو حوزه: یکی رمزگان تلویزیونی (از نظر چهره‌پردازی، شخصیت‌پردازی، عناصر بصری صحنه و...) و دیگری نقد نشانه‌شناختی «جان‌شینی: تقابل‌شناسی» (تقابل هستی تجردی فرشته با ماده و نیز هدایت او با اضلال نفس و شیطان و...) در سریال مذکور؛ حل تعارض تمثیل زیبا و زشت فرشته؛ و دفاع از انطباق داشتن گریه فرشته به عنوان یک نماد پر معنا و قوی در تولیدات رسانه‌ای با موازین دینی.

واژگان کلیدی: فرشته، سریال ملکوت، تحلیل نشانه‌شناختی

مقدمه

آندره مالرو معتقد است قرن بیست و یکم یا قرن معنویت خواهد بود یا وجود نخواهد داشت (مهدوی‌فر، ۱۳۸۴: ۲۴). از طرف دیگر انتقال فرهنگی یکی از کارکردهای رسانه‌ها است که عبارت است از آموزش و ترویج فرهنگ و عقاید و ارزش‌ها (نک: سورین و تانکارد، ۱۳۸۱: ۴۵۲؛ معتمدنژاد، ۱۳۸۶: ۱۰). رویکرد تجسم‌بخشی رسانه‌ای به پدیده‌های ماورایی که در دهه هشتاد در تلویزیون ایران رخ داد، نویدبخش فصل نوینی در سینمای معنوی و تربیتی و بخشی از ادای رسالت تلویزیون در انتقال غیب به نسل نو بود؛ سینمایی نو و استعلایی، آن هم در فضایی که برخی متون درسی رسمی و آکادمیک ایران معاصر، ژانرهای نمایشی را منحصر در تراژدی، کمدی، ملودرام و مضحکه می‌دانند (تامس، ۱۳۹۱: ۲۸۸ و ۲۸۹). اما متأسفانه در سال‌های اخیر به عللی از جمله ضعف محتوایی و فنی تولید سریال‌های ماورایی، ساخت این «گونه» سریال‌ها متوقف شده است.

اکنون اگر کارکرد رسانه‌ها در فیلم و سریال را بازنمایی واقعیت به وسیله تکنولوژی‌های مکانیکی و دیجیتالی مانند دوربین و فیلم و عکس بدانیم، یکی از سؤالاتی که در مواجهه با حضور فرشته در فیلم‌ها و سریال‌های ماورایی به ذهن مخاطب و پژوهشگر رسانه‌ها می‌رسد این است

که فرشته این متن‌های رسانه‌ای تا چه اندازه با متون اسلامی که متن قواعد فرهنگی اسلامی در حوزه فرشته‌شناسی را دربر دارند و نگرش واقعی به فرشته در آنها ارائه شده است، انطباق دارند و تا چه اندازه دچار سوء بازنمایی یا کژنمایی شده‌اند؟

این تحقیق با هدف ارائه الگویی ایدئال در تصویرگری سینمایی از فرشته (به معنای داشتن بیشترین انطباق با مبانی قرآنی و روایی، در حد توان نویسنده) به مطالعه موردی فرشته تمثیل یافته در سریال «ملکوت» پرداخته است.

«سریال ملکوت» از برنامه‌های مناسبتی پخش شده در ماه مبارک رمضان در دهه هشتاد و از آخرین حلقه‌های مجموعه سریال‌های ماورایی آن دهه تا کنون است. این سریال درباره ارتباط روحی «حاج فتاح سلطانی» با جهان غیب و فرشته‌ای است که به منظور یاری او برایش ممتل شده است. حاج فتاح که تاجری پاک‌دست و باایمان است در واپسین روزهای عمر خود با این فرشته ارتباط برقرار می‌کند. این فرشته همواره در طول فیلم حضور دارد و به حاج فتاح گوشزد می‌کند که از کودکی با وی بوده و همواره او را به نیکی دعوت کرده است و اکنون که حاج فتاح در پی یک تصادف در غروب روزی از روزهای ماه مبارک رمضان به کُما رفته است و واپسین لحظات عمر خود را می‌گذراند، برای یاری او تمثیل یافته است تا وی را از دیون مادی و معنوی که بر عهده دارد، پاک کند. با عنایت الهی و راهنمایی فرشته و الهام‌ها و تصرفات او که به اذن الهی است، این توفیق حاصل می‌شود و حاج فتاح از دیون خود، خصوصاً بدهی مالی و عاطفی به شریفه، همسر اوّل خود خلاص شده و به عنوان «نفس مطمئنه» به عالم ملکوت وارد می‌شود.

چارچوب نظری

چارچوب نظری این تحقیق، عبارت است از آموزه‌های فرهنگ اسلامی در

حوزه فرشته‌شناسی با محوریت قرآن کریم. دلیل استفاده محوری از قرآن کریم این است که از طرفی نگاه هستی‌شناختی به «فرشته» از مباحث کلامی‌ای است که آموزهای دینی تنها در صورت قطعیت صدور، یعنی فقدان هرگونه اشکال در سند آنها می‌توانند برای تفسیر این دست مسائل به کار گرفته شوند (نک: طباطبایی، ج ۹، ۱۴۱۷: ۲۱۱ و ۲۱۲) و از طرف دیگر قرآن کریم دارای اتقان سندی است؛ زیرا هم قطعی‌الصدور است (حلی، ج ۱، ۱۴۲۵: ۳۳۲؛ قمی، ۱۳۷۸: ۴۰۳؛ مظفر، ج ۲: ۵۱) و هم هیچ‌گونه تحریفی [زیاده، نقیصه یا تبدیل] در آن راه نیافته است (طوسی، ج ۱، ۱۴۰۷: ۳).

این چارچوب را می‌توان از *نظریه‌های معطوف به محتوا* دانست. *مک کوایل*، نظریه‌پرداز پیش‌کسوت و صاحب‌نام علوم ارتباطات درباره نظریات مرتبط با تحلیل محتوا می‌گوید: از آنجا که اهداف گوناگونی برای مطالعه محتوا متصور است، به ناگزیر فرضیه‌های متنوع‌تر و متعددتری نیز درباره محتوا مطرح می‌شود. در نتیجه ممکن نیست که بتوان نظریه واحدی در باب محتوای رسانه داشت (مک کوایل، ۱۳۸۵: ۲۷۳ و ۲۷۴). همان‌طور که آسابرگر بخش مفصلی از کتاب *تحلیل رسانه‌ها* را به تحلیل رسانه‌ها با سه رویکرد بررسی محتوایی رسانه‌ها یعنی مارکسیستی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی اختصاص می‌دهد (آسابرگر ۱۳۸۷: ۱۶۱ و ۱۶۲)، برخی پژوهشگران حوزه علوم ارتباطات در کشور ما نیز بر همین اساس معتقدند با توجه به حوزه یا موضوعی که در محتوا ارائه شده است، می‌توان از این نظریه استفاده کرد. یعنی می‌توان مفاهیم، ویژگی‌ها و شاخص‌ها را از نظریه‌های همان حوزه استخراج کرد. (محمدی‌مهر، ۱۳۸۷: ۷۷ تا ۷۹)

این چارچوب به شرح زیر تدوین شده است:

۱. هستی‌شناسی فرشته در فرهنگ اسلامی از منظر شخصی

فرشتگان موجوداتی غیرمادی هستند که خدای متعال آنان را برای افاضه

خیر و علم و کشف حقیقت و الهام نیکی‌ها خلق کرده است (صدرالمتألهین، ۱۳۶۳: ۱۵۷). آنان از نور آفریده شده‌اند (مفید، ۱۴۱۳: ۱۰۹؛ ابوالشیخ، ۱۴۱۷: ۱۰۰) و ممکن است برخی از آنها مجرد تام داشته باشند و برخی دیگر مجرد برزخی داشته و به شکل و قیافه‌های مختلف به دیدگان مردم ظاهر شوند (مصباح، ۱۳۸۸: ۲۹۴). آنان همواره در بندگی خداوند هستند و خواب و خستگی و غفلت ندارند (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۴۱) و مطیع خدا و مأموران الهی محسوب می‌شوند. ایشان همگی در یک سطح نیستند، بلکه برخی رتبه‌های بالاتری دارند و افعال مختلفی نیز انجام می‌دهند (مصباح، ۱۳۸۸: ص ۲۰۴).

از جمله رسالت‌های برخی از فرشتگان، پیاده کردن امر تکوینی (قضای الهی در این عالم است: فَأَلْمَدَّبَرَاتُ أُمْرًا؛ قسم به فرشتگانی که (به فرمان حق) به تدبیر نظام خلق می‌کوشند (نازعات: ۵؛ شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۴۱؛ مصباح، ۱۳۸۸: ۲۸۶). امداد مؤمنین (انفال: ۱۲؛ مصباح، ۱۳۸۸: ۲۸۹) است. بشارت دادن مؤمنان نیز از کارهای فرشتگان است (آل عمران: ۳۹ و ۴۲؛ مصباح، ۱۳۸۸: ۲۸۸). تصرف در طبیعت و ایجاد حوادثی خاص در آن، بدون وجود سبب طبیعی خاص، از دیگر مأموریت‌های فرشتگان است (مصباح، ۱۳۸۸: ۲۹۱). همان‌طور که قبض ارواح نیز از مأموریت‌های فرشتگان است: وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُو أَيْدِيهِمْ؛ فرشتگان (برای قبض روح آنها) دست (قهر و قدرت) برآورند (انعام: ۹۳). فرشتگان خادمان پیامبر و ائمه هدی و شیعیان واقعی آنان هستند (صدوق، ج ۱، ۱۳۹۵: ۲۵۴) و در گرفتاری‌ها با توسل به ائمه هدی فرشتگان به یاری مؤمنان آمده و شیاطین را از آنان دور می‌کنند (بحرانی، ج ۱، ۱۳۷۴: ۲۷۴).

۲. هستی‌شناسی فرشته در فرهنگ اسلامی از منظر تقابلی

بدون تقابلی، معنایی وجود ندارد (آسابرگر ۱۳۸۷: ۴۱). هیچ تک‌نشانه‌ای

معنا ندارد جز در یک بافت کلی و با در نظر گرفتن تفاوت‌ها و تمایزهای آن با دیگر نشانه‌ها (اسمیت، ۱۳۸۷: ۱۶۳؛ مهدی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۰۳). به این معنی که در یک نظام نشانه‌شناختی، اجزای نظام از راه تقابل با هم تعریف می‌شوند. در این منظر، اساساً ساخت‌گرایان به تبعیت از یاکوبسن معتقدند اساسی‌ترین عملیات مغز آدم در تولید و درک معنا همان تقابل‌ها است و معنی جز با تقابل درک نمی‌شود (آسابرگر ۱۳۸۷: ۴۰ و ۴۱). با این رهیافت، تبیین نگرش تقابل‌شناسانه از فرشته، دستمایه‌ای مهم در تحلیل نشانه‌شناختی مد نظر خواهد بود.

فرشته از منظر فرهنگ اسلامی با شیطان و در مرحله بعد با نفس اماره و شیاطین انسی در تقابل است. آغازین تقابل فرشته که شخصیت او را از غیر وی متمایز کرد، همان تقابل او با شیطان در جدا شدن از صف «سجده‌کنندگان» است:

پس همه فرشتگان سجده کردند، مگر ابلیس که از همراهی با سجده‌کنندگان امتناع ورزید (حجر: ۳۰ و ۳۱). از مهم‌ترین کنش‌های فرشته در ارتباط با انسان، الهام و هدایت است که در تقابل با وسوسه و گمراهی قرار دارد (ملاصالح مازندرانی، ج ۹، ۱۳۶۷: ۲۲۲؛ غزالی، ج ۸، بی‌تا: ۴۷). خطورات ذهنی و قلبی دعوت‌کننده به نیکی، الهام و دعوت‌کننده به بدی وسوسه است (نراقی، ج ۱، بی‌تا: ۱۷۸؛ ملاصالح مازندرانی، ج ۹، ۱۳۶۷: ۲۲۱). پس، سبب الهام، فرشته است و سبب وسوسه، شیطان (ملاصالح مازندرانی، ج ۹، ۱۳۶۷: ۲۲۱؛ صدرالمتألهین، ۱۳۶۳: ۱۵۲). این معنا در روایت چنین بیان شده است:

هرگاه انسان به گناه میل کند، فرشته‌ای همراه او است که او را نهی می‌کند و شیطانی نیز با اوست که ترغیب می‌کند (کلینی، ج ۲، ۱۴۰۷: ۲۶۷). این فرشته و شیطان از هنگام تولد با انسان همراه هستند (مجلسی، ج ۶۰، ۱۴۰۳: ۲۹۸؛ دارمی، ج ۳، ۱۴۱۲: ۱۷۹۸؛

ابن حنبل، ج ۴، ۱۴۱۶: ۴۰).

در فرهنگ اسلامی، شیطان و هوای نفس به عنوان دشمن و در برخی موارد به عنوان دشمن ترین دشمنان انسان معرفی شده‌اند:

؛ شیطان دشمن قطعی شما است (فاطر: ۶؛ همچنین نک: زخرف: ۶۲؛ اعراف: ۱۷۱؛ یس: ۶۰؛ ورام، ج ۱، ۱۴۱۰: ۵۹؛ ابن فهد، ۱۴۰۷: ۳۱۴). و دعاها و روایات، انسان مبتلا به تبعیت از نفس و شیطان را دردمند و مصیبت زده معرفی کرده‌اند (طوسی، ج ۲، ۱۴۱۱: ۵۸۹؛ ابن اشعث، بی تا: ۲۲۸؛ حرانی، ۱۴۰۴: ۱۵۹ و ۲۰۳).

در برخی روایات، به جای فرشته، تعبیر روح ایمانی انسان آمده است:

(کلینی، ج ۲، ۱۴۰۷: ۲۶۷). طبق این روایت، هرگاه انسان میل به گناه کند، روح ایمانی او، نهی اش می کند و شیطان ترغیبش می کند و اگر مرتکب گناه شود، روح ایمان از او جدا شده و اگر توبه کند، باز می گردد. این دو روایت بر همراهی روح الایمان با فرشته دلالت دارند. یعنی شیطان مفتن و فرشته مرشد هر دو وجودی مثالی دارند که با گوش قلب انسان سخن می گویند (طباطبایی، بی تا: ۱۲۲).

طبق بررسی این قلم، در قرآن کریم تنها یک نمونه از تقابل فرشته با فرشته وجود دارد و آن هم تقابل قبض روح مؤمنان همراه با مژده و بشارت (نحل: ۳۲) در مقابل قبض روح گناهکاران همراه با تندی و شدت (محمد: ۲۷؛ انفال: ۵۰) است که دو گونه ظهور فرشتگان است.

با این مقدمه کلی، عناصر تقابلی با فرشته در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول شماره ۱. عناصر متقابل با فرشته در فرهنگ اسلامی		
ردیف	فرشته	مقابل
۱	مطیع در برابر امر خدا (نحل: ۵۰)	گناهکار و متمرّد در برابر امر خدا (حج: ۳)
۲	متواضع و خاضع در برابر خدا (نحل: ۴۹)	متکبر بر خدا (بقره: ۳۴)

جدول شماره ۱. عناصر متقابل با فرشته در فرهنگ اسلامی		
ردیف	فرشته	مقابل
۳	ساجد بر آدم [طاعت خاص] (حجر: ۳۰)	عاصی از سجده بر آدم [گناه خاص] (حجر: ۳۱)
۴	بندگان گرامی نزد خدا (انبیاء: ۲۶)	رانده شده از درگاه خدا (حجر: ۳۴)
۵	همراهی فرشته‌ای از طرف خدا با هر انسان به هنگام تولد او و نشستن بر گوش راست قلبش برای کمک به وی (مجلسی، ج ۶۰، ۱۴۰۳: ۱۴۱؛ ابن حنبل، ج ۴، ۱۴۱۶: ۴۰)	همراهی شیطانی از طرف ابلیس با هر انسان به هنگام تولد او و نشستن بر گوش چپ قلبش برای وسوسه وی (مجلسی، ج ۶۰، ۱۴۰۳: ۲۹۸؛ دارمی، ج ۳، ۱۴۱۲: ۱۷۹۸)
۶	حاضر در خانه‌ای که در آن قرآن بخوانند (کلینی، ج ۲، ۱۴۰۷: ۴۹۹)	فرارکننده از خانه‌ای که در آن قرآن بخوانند (کلینی، ج ۲، ۱۴۰۷: ۴۹۹)
۷	مؤید و مسدد مؤمنان (کلینی، ج ۲، ۱۴۰۷: ۲۳۷) و یاری‌گر آنان (بحرانی، ج ۱، ۱۳۷۴: ۲۷۴) و نابودکننده دشمنان ایمانی آنان (آل عمران: ۱۲۵)	رهاکننده و خذلان‌بخش پیروان خود (حشر: ۱۶)
۸	رئوف بر مؤمنان (شوری: ۵)	دشمن انسان (بقره: ۱۶۸) خصوصاً مؤمنان (بحرانی، ج ۱، ۱۳۷۴: ۲۷۴)
۹	بر مؤمنان راستین نازل می‌شوند (فصلت: ۳۰)	بر گناهکاران بسیار آلوده نازل می‌شوند (شعراء: ۲۲۰ و ۲۲۱)
۱۰	هدایت‌گر و الهام‌بخش رفتارهای نیک در قلب (کلینی، ج ۲، ۱۴۰۷: ۲۶۷؛ کلینی، ج ۱، ۱۴۰۷: ۱۶۶؛ عیاشی، ج ۱، ۱۳۸۰: ۳۲۱)	گمراه‌کننده و دعوت‌کننده به بدی و گناه با وسوسه در قلب (نور: ۲۱؛ انعام: ۱۲۱؛ آل عمران: ۱۵۵؛ طباطبایی، الرسائل التوحیدیه، ۱۴۲۷: ۱۲۵؛ کلینی، ج ۱، ۱۴۰۷: ۱۶۶؛ عیاشی، ج ۱، ۱۳۸۰: ۳۲۱)
۱۱	رأفت بر مؤمن هنگام مرگ (مفید، ۱۴۱۳: ۳۴۶) که این فرشتگان رئوف، غیر از قابض روح هستند.	تلاش برای گمراه کردن مؤمن به هنگام مرگ (صدوق، ج ۱، ۱۴۱۳: ۱۳۴؛ عیاشی، ج ۲، ۱۳۸۰: ۲۲۵)
۱۲	مژده‌دهنده به مؤمن پس از مرگ (انبیاء: ۱۳۱)	بیزاری‌جوینده از پیروان در آخرت (ابراهیم: ۲۲؛ کلینی، ج ۲، ۱۴۰۷: ۳۹۰)

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی تحلیلی است که علاوه بر تصویر آنچه هست، به دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. جزئیات مسئله تحقیق را با کلیاتی که در مباحث نظری تحقیق به عنوان چارچوب استدلال خود تدوین می‌کند، ربط می‌دهد و نتیجه‌گیری می‌کند (حافظ‌نیا،

۱۳۸۶: ۵۹ تا ۶۱). روش این تحقیق، تحلیل نشانه‌شناسی است که در دو الگو انجام خواهد گرفت:

الگوی اول: تحلیل رمزگان تلویزیونی اسلین

نشانه امری است مرکب از یک دالّ مانند صوت لفظ (signifier) و یک مدلول (signified) که عبارت است از مفهومی که دال بر آن دلالت (signification) می‌کند (آسابرگر، ۱۳۸۷: ۱۷ و ۱۸). این دال‌ها در هر نظام نشانه‌ای باید بر اساس رمزگان (codes) خاص آن نظام رمزگشایی شوند (آسابرگر، ۱۳۸۷: ۴۸). زیرا همه رسانه‌ها تابع رمزهای معینی هستند که نظام رمزگانی آنها را تشکیل می‌دهد (آسابرگر ۱۳۸۷: ۲۰). اسلین الگویی را در تحلیل نشانه‌شناختی که ناظر بر طرح تادوژ کوزان با تکمیل نواقص آن است، ارائه کرده است (اسلین، ۱۳۹۱: ۲۹). طرح وی الگویی پنج‌ضلعی شامل «بازیگر»، «عناصر دیداری و طراحی صحنه»، «واژگان»، «موسیقی و صدا»، «صحنه و پرده» است (اسلین، ۱۳۹۱: ۳۱ تا ۵۹).

الگوی دوم: تحلیل هم‌زمانی (جانشینی: تقابلی) سوسور-اشتراوس

مطالعه هم‌زمانی یک متن بر نحوه تکامل روایت تأکید دارد و به دنبال الگوی تقابلی‌های نهفته در متن است (آسابرگر ۱۳۸۷: ۳۱). سوسور به عنوان مبتکر این نگرش معتقد بود هیچ تک‌واژه‌ای معنا ندارد جز در یک بافت کلی و با در نظر گرفتن تفاوت‌ها و تمایزهای آن با دیگر واژه‌ها (اسمیت، ۱۳۸۷: ۱۶۳؛ مهدی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۰۳). به این معنی که در یک نظام نشانه‌شناختی، اجزای نظام از راه تقابلی با هم تعریف می‌شوند. در این منظر، اساساً ساخت‌گرایان به تبعیت از یاکوبسن معتقدند اساسی‌ترین عملیات مغز آدم در تولید و درک معنا همان تقابلی‌های دوتایی است و معنی جز با تقابلی درک نمی‌شود (آسابرگر، ۱۳۸۷: ۴۰ و ۴۱). نشانه‌شناس، تقابلی‌های متن را استخراج می‌کند (آسابرگر، ۱۳۸۷: ۴۱) که البته همواره آشکار نیستند

(آسابرگر، ۱۳۸۷: ۴۰) اما وجود دارند. زیرا بدون تقابل، معنایی وجود ندارد (آسابرگر، ۱۳۸۷: ص ۴۱). دقیق‌ترین مشخصه در نظام تقابلی، چیزی است که در دیگری وجود ندارد (آسابرگر، ۱۳۸۷: ۲۱). این ایده نه تنها دربارهٔ زبان صدق می‌کند، بلکه می‌توان آن را به هر نوع نظام قراردادی دلالت تسری داد و به عنوان منبعی مهم برای مطالعات فرهنگی در نظر گرفت (اسمیت، ۱۳۸۷: ۱۶۳). پس هر واژه یا اصطلاح در اینجا ارزش خود را از تقابلی با آنچه بر آن مقدم یا مؤخر است، به دست می‌آورد (اسمیت، ۱۳۸۷: ۱۷۷). از کلود لوی اشتراوس می‌توان به عنوان پیشتاز این روش نام برد (آسابرگر، ۱۳۸۷: ۳۱).

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق حاضر بر مبنای الگوی روش‌شناختی تدوین شده در دو حوزه ارائه خواهد شد: تحلیل هم‌زمانی، تحلیل رمزگان خاص تلویزیون.

تحلیل نشانه‌شناختی رمزگان تلویزیونی فرشته در سریال ملکوت

غرض از این تحلیل نه بیان پیرنگ بنیادی داستان و تقلیل «تمثل فرشته» به این مرتبه، بلکه تبیین کردن سطح آشکار معنا با تحلیل زبان پیام در بستر رازگشایی از رمزگان آن است تا سطوح معنایی دیگر از پیام‌های معنوی و اخلاقی و کلامی و فلسفی بر پایهٔ این نشانه‌ها آشکار شوند.

این تحلیل بر اساس الگوی اسلین که در مبنای روش‌شناختی توضیح داده شد، باید در پنج محور سامان یابد، اما به علت محدودیت مقاله و نیز اندک بودن دال‌های معناساز در دو بخش آخر، تنها به سه بخش اول که بیشترین دلالت در آنها در این سریال وجود دارد، پرداخته می‌شود:

الف - نظام نشانه‌شناختی بازیگر

نظام‌های نشانه‌ای بازیگر در دو دسته کلی خلاصه می‌شوند:

- نشانه‌های ناشی از فنون بیانی مبتنی بر کاربرد بدن بازیگر که خود بر چهار نوع است: کاربرد صداها برای دگرگونی لحن متن، حالت بیانی چهره، آداها و اشاره‌ها، نظام فاصله‌ای (گرد آمدن یا پراکندن در مکان).
- نشانه‌های روی بدن بازیگر که دو نوع هستند: چهره‌آرایی و لباس (اسلین، ۱۳۹۱: ۳۳).

بنابراین، نظام نشانه‌شناختی بازیگری شش بخش دارد. این بخش‌ها بر اساس کاراکتر فرشته در سریال ملکوت به این شرح تبیین می‌شوند:

۱. کاربرد صداها برای دگرگونی لحن متن: در قسمت ۲۹ سریال، فرشته با القای آیه عفو[□] بر آفاق به زبان فارسی سعی دارد با همان آیه از شریفه حلالیت بگیرد که موفق می‌شود. فرشته روبه‌روی آفاق ایستاده است و در حالی که چشم خود را بسته، در حالت خبردار، سرش را اندکی به بالا متمایل کرده است و با صدای نسبتاً بلند و مؤکد که نشان اثربخشی آن است، این آیه را تلاوت می‌کند. آفاق هم متوقف می‌شود و به فکر فرو می‌رود و گوش می‌سپارد.
۲. حالت بیانی چهره: فرشته با چشمان بسته^{□□} و در حالت ایستاده (خبردار) آیه مذکور را بر آفاق القا می‌کند که نشان تمرکز او در دریافت عنایت الهی از غیب و انزال معانی بر مؤمنان است. این امر، از کارکردهای فرشته است که در چارچوب نظری معرفی شد.
۳. آداها و اشاره‌ها: تمرکز و چشم‌بستن فرشته و لحن محکم و با

طمأنینه او، نماد بسیار زیبایی از القای معانی غیبیه به انسان است. همان‌طور که سر بلند کردن فرشته هم حاکی از دریافت معانی غیبی و انتقال آن است.

۴. نظام فاصله‌ای و گرد هم آمدن: برخی نظام‌های فاصله‌ای در این سریال بسیار هوشندانه است؛ مانند ایستادن فرشته روبه‌روی آفاق به هنگام القای آیه عفو که در بند قبل به آن پرداخته شد. ایستادن با فاصله بسیار اندک، حاکی از تقرب قلبی فرشته به آفاق، نزول معنا بر قلب او و تلقی معانی الهام‌بخش غیبی است؛ زیرا در معارف الهی، دریافت الهام و معنای غیبی از فرشتگان، همان اتصال با فرشته است (سبزواری، ۱۳۶۰: ۷۴۰). از نظر ارتباط‌شناسی نیز فاصله پانزده تا پنجاه سانتی‌متری فاصله‌ای صمیمی و بسیار مناسب برای القای معانی غیرکلامی است (محسنیان راد، ۱۳۸۵: ۲۷۶). اما کنار هم ایستادن فرشته و حاج فتاح، معنادار نیست؛ زیرا در الگوهای رایج نظام رمزگان سینمایی، کسی که احترام بیشتری دارد باید بر سمت راست صحنه بایستد (اسلین، ۱۳۹۱: ۳۵). در روایات اسلامی نیز سمت راست، ارزش معنوی خاصی دارد (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۳).
۵. چهره‌آرایی: ریش سفید نشانه شمایی سالخورده‌گی است، اما دلالت نمادین فرزانه‌گی نیز از آن به دست می‌آید (اسلین، ۱۳۹۱: ۳۴). در درام شرقی، رمزگان دقیقی وجود دارد که معانی دال‌های نمادین چهره‌آرایی و موآرایی را به دقت مشخص می‌کنند (اسلین، ۱۳۹۱: ۳۵). درام ماورایی و اسلامی فرشته نیز رمزگان خاص خود را در زمینه آرایش مو و صورت دارد که طبق آن الگو، چهره‌پردازی فرشته در این سریال نامطلوب

است؛ زیرا موی سر فرشته در این سریال، سفید است که دلالت نمایی‌ای بر پیری او دارد. بهتر است در تجسم فرشته با استفاده از صنعت تضاد که زیبایی هم می‌آفریند، از ریش جوگندمی و موی سر سیاه استفاده شود که هم جوانی را ارائه می‌کند و هم پختگی را. همچنین ریش تراشیده‌شده این فرشته هیچ وجهی ندارد.

۶. لباس: لباس سهم فراوانی در پی ریختن حالت و جلوه‌ای دارد که آن شخص تخیلی بر می‌انگیزد. آن هم با استفاده از توان نمادینی که در طرح کلی رنگ چهره و لباس و رنگ مو و ترکیب آنها وجود دارد. به اضافه اینکه کاربرد لباس و چهره‌آرایی پر جلوه یا متضاد می‌تواند دلالت نمایی‌ای داشته باشد و مخاطب را متوجه آن شخص کند. برش لباس نیز بر افزایش یا کاهش شخصیت بازیگر اثر دارد (اسلین، ۱۳۹۱: ۳۹). همچنین در درام شرقی، رمزگان دقیقی وجود دارد که معانی لباس و چهره و نقاب‌ها را به دقت مشخص می‌کنند (اسلین، ۱۳۹۱: ۳۵). این دقت در نظام رمزگان لباس در فرهنگ اسلامی نیز به شکل خاص خود وجود دارد و بر اساس این نظام، لباس فرشته در این سریال از نظر رنگ مطلوب است؛ زیرا سفید است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مسلمانان دستور دادند رنگ سفید را به عنوان لباس خود برگزینید که بهترین رنگ لباس است (نوری، ج ۲، ۱۴۰۶: ۲۲۳؛ نسائی، ج ۸، ۱۴۰۶: ۲۰۵). اما برش لباس او اشکال دارد؛ زیرا پیراهن فرشته از آستین کت بیرون آمده و آستین کت کوتاه است که خود نوعی نامتوازن بودن را نشان می‌دهد. یقه کت او نیز متعارف نیست و

طول کت هم به شکل نامتعارفی بلند است. بلندی کت در حد پالتو نیست و تنها در حد یک کت بدقواره است. یقه پیراهن او آخوندی (دیپلمات) است و تا دکمه آخر بسته شده است، اما از گردن گشاد است و این گشادگی یقه، آن را آویزان و زشت کرده است. در روایات اسلامی دستور داده شده است که لباس زیبا بپوشید؛ زیرا خدا زیبایی را دوست دارد (حر عاملی، ج ۵، ۱۴۰۹: ص ۶). همانطور که گفته خواهد شد، فرشته بسیار زیبا است و تمثل آن نیز باید زیبا باشد.

ب- عناصر بصری صحنه

طراح صحنه با گزینش مکان‌های واقعی خارجی یا داخلی، آنها را به عناصری معنارسان بدل می‌کند (اسلین، ۱۳۹۱: ۴۲). وسایل صحنه مانند مبلمان و وسایل و ابزارهای جابه‌جا شدنی که در مکان دراماتیک یافت می‌شود و شخصیت‌ها آنها را به کار می‌برند، بخشی از طراحی کلی صحنه است (اسلین، ۱۳۹۱: ۴۳). این اشیا و اثاث و ابزارها ممکن است معنای شمایی و نمونه جهان واقعی باشند یا معنای نمادین داشته باشند مانند تاج که نماد پادشاهی است (اسلین، ۱۳۹۱: ۴۳).

کاربرد نور در بین نظام‌های بصری دلالت نقشی فزاینده دارد. کارکرد شمایی نور (معلوم کردن روز و شب و پرنور و کم نور بودن مکان را معین می‌کند) آشکار است (اسلین، ۱۳۹۱: ۲۲). ولی مهم‌ترین کاربرد نور در نمایش‌های دراماتیک، کاربرد نمایه‌ای است. با نور می‌توان توجه تماشاگر را مانند انگشتی شاخص که جهت را نشان می‌دهد به نقطه‌های مرکزی رویداد رهنمون شد یا توجه او را به شخصیت محوری صحنه و حرکات او جلب کرد یا شیء مهم‌تری را برجسته کرد. از طریق نورپردازی می‌توان «بافت» فراگیر نمایش را تعیین کرد و همه رویداد را به حالت سایه‌روشن نگه داشت یا

همچون سبک برشت حتی شب را نیز از روشنی خیره‌کننده آکنده ساخت (اسلین، ۱۳۹۱: ۴۴).

حضور فرشته و روح حاج فتاح (که در عالم مثالی است) در ارتباط با جهان مادی به گونه‌ای که هم حضور باشد و هم جدایی عالم، تنها از طریق نورپردازی و طراحی صحنه مناسب امکان‌پذیر است. برخی از الگوهای به‌کاررفته در این سریال، بسیار ستودنی و ارزشمند است، مانند نشستن فرشته و فتاح در گوشه‌ای از هال منزل حاج فتاح که به شکل «ال» است. اهل خانه در قسمت دیگر این هال هستند. فضای فرشته و فتاح روشن‌تر است و فضای اهل خانه کنتراست بیشتری دارد. این موضوع در کنار فضای «ال» هال، هم جدایی عالم آنان را نشان می‌دهد و هم حضور و اشراف موجودات مجرد بر عالم ماده را و هم رازآلود بودن جهان آنان را. اما سایر حضورهای فرشته در خانه و خیابان و... بدون نورپردازی خاصی است که از این جهت نارضا است و جهان فرامگانی آنان را متجسم نمی‌کند. یقیناً اگر از تکنیک‌های حرکت و نور و صدا برای تجسم معانی غیبی حیات ماورایی انسان بیشتر استفاده می‌شد، علاوه بر ساحت غیبی آنان و اشراف آنان بر جهان ماده، می‌توانستند شادی و شمع، اندوه و اسف، حسرت و لهف، لذت و الم و خلاصه هرگونه رمز و راز حیات انسان در عالم ماورا را بهتر و حقیقی‌تر به تصویر بکشند.

پ - واژگان

واژگان در متن روایت دارای معانی بنیادی قاموسی و معانی نحوی و معانی ارجاعی به موارد جهان واقعی هستند (اسلین، ۱۳۹۱: ۴۴). استفاده از واژه‌ها در متن دراماتیک باید در حد لزوم و ضرورت باشد. اگر کنش ساده‌ای برای عرضه رویدادی کافی باشد دیگر هر کلامی حشو است. این اصل که همان صرفه‌جویی در کاربرد واژه‌هاست را «قاعدۀ

امساک» می‌نامند. در عوض باید از عناصر بصری که همان شاخص‌های غیرکلامی است، استفاده کرد. این، یکی از بنیادی‌ترین تمایزات متن ادبی و متن دارماتیک است. مثلاً در نمایشنامه «خانه عروسک ایبسن» دربان، درخت کریسمس را به طبقه بالا می‌برد و تنها پنجاه «أر» درخواست می‌کند، ولی نورا هلمر یک کرون به او می‌دهد و می‌گوید بقیه‌اش مال خودت. این جمله از طرفی به تماشاگران می‌فهماند نورا دست و دل باز است و از طرف دیگر، اموری چون نیاز او به اثبات جایگاهش و مواردی از این دست را نشان می‌دهد که در صحنه‌های بعد با کنش‌های او آشکار می‌شود. این سخن نورا در نمایش لازم نیست و او می‌تواند معنا را به حرکتی اندک، مانند پس دادن مانده پول به دربان و تنها با یک لبخند نشان دهد (اسلین، ۱۳۹۱: ۴۷ و ۴۸).

در این سریال نیز گفت‌وگوهای حاج فتح و فرشته بسیار زیاد است. تنها در دو زمینه از اصل امساک بهره‌برداری خوبی شده است: مورد اول وقتی است که حشمت قرار است از حاجی کمک بگیرد، سراغ سرمست می‌آید و سرمست او را به شدت توبیخ و بیرون می‌کند. حاجی ناراحت می‌شود و به فرشته می‌گوید «کاری بکن که دست خالی نرود، گرچه برای الان من سودی ندارد.» فرشته لبخند می‌زند و از رحمت او متأثر می‌شود و جلوی درب آسانسوری که خسرو، پسر حاجی داخل آن است، می‌ایستد و تمرکز می‌کند. بلافاصله آسانسور گیر می‌کند و حشمت جلو آسانسور به خسرو کمک می‌کند و همین مسئله باعث آشنایی او با خسرو می‌شود و خسرو کار او را درست می‌کند. همچنین در قسمت ششم که نرگس در راه رفتن به کارخانه است تا حاجی را ببیند، فرشته در او تصرف کرده و او را وادار به عطسه می‌کند. این عطسه سبب می‌شود که او متوجه بیرون رفتن سرمست از کارخانه نشود و این مسائل، مسیر او را برای رسیدن به حقیقت هموار می‌کند. سوم، تصرف فرشته در مهتاب است. در آنجا نیز فرشته کیف مهتاب را از

دوش او در بیمارستان می‌اندازد و این افتادن کیف باعث دیدار او و نرگس می‌شود.

برخی از اشتباهات محتوایی نیز در ارتباط کلامی فرشته و حاج فتح وجود دارد که به این شرح است:

۱. در قسمت دوم، فرشته که برای اولین بار، جلو درب منزل به دیدار حاج فتح می‌رود تا او را ببرد، به او سلام نمی‌کند، حال آنکه فرشتگان در تمثّل خود حتماً از این ادب اسلامی که آغاز هر ارتباط است، استفاده می‌کنند، خصوصاً اگر یک طرف آن ارتباط فرشته باشد و طرف دیگر آن روح فردی مؤمن. فرشتگان وارد بر حضرت ابراهیم و فرشتگان قابض ارواح مؤمنین و استقبال‌کنندگان از مؤمنان در بهشت همگی با سلام آغاز می‌کنند (رعد: ۲۳ و ۲۴؛ زمر: ۷۳؛ ذاریات: ۲۵).

۲. در قسمت ششم، فرشته به حاجی می‌گوید خداوند بابت ثواب خدمت تو به فلان مددجو تقدیر کرده است که فلان کمک به تو صورت گیرد. در حالی که باید می‌گفت رحمت الهی شامل حالت شده است که این تقدیر برایت رقم بخورد. زیرا هیچ کس جز با رحمت الهی نجات نمی‌یابد؛ همانطور که قرآن فرموده است: ۵ و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود، هیچ کس از شما ترکیه نمی‌شد. (نور: ۲۱) و روایت است که «هیچ کس با عمل خود نجات نمی‌یابد، بلکه باید فضل و رحمت الهی به او امداد رساند» (بخاری، ج ۸، ۱۴۲۲: ۹۸؛ ابن حنبل، ج ۱۳، ۱۴۲۱: ۳۱).

۳. بذله‌گویی و طنزپردازی حاج فتح با کروییان عالم ملکوت، یکی دیگر از اشتباهات محتوایی این سریال است. حاج فتح در

لحظات آستانه مرگ و هول عظیم طلوع عوالم غیبی بر شتاب نفس، باز هم از خوش مزگی و شوخی دست بر نمی دارد، آن هم با فرشته الهی. در حالی که صحنه های جدی زندگی چون مرگ و عبور همیشگی از دنیا به سوی منزلگاه ابدی، جولان طنز و سرگرمی هایی از این دست را بر نمی تابد.

۴. دیالوگ های تند، غیرخاضعانه و بلکه آمرانه حاجی با فرشته و بلکه با خدای متعال، بخش دیگری از اشتباهات محتوایی است. خضوع و التماس و تضرع خصوصاً برای فردی چون حاج فتح که در حساس ترین لحظات زندگی خود گرفتار سرنوشت ابدی است، در ایشان دیده نمی شود و با خداوند با لحنی تند و آمرانه و احياناً طنزگونه صحبت می کند. حال آنکه خداوند درباره این حالات انسان در آخرت می فرماید: ۵

و در

آن روز خلایق، همه از پی کسی که آنها را به راه مستقیم به عرصه قیامت دعوت کند (یعنی اسرافیل) ناچار خواهند رفت، و صداها پیش خدای رحمان خاشع و خاموش گردد، که جز زیر لب و آهسته صدایی نخواهی شنید (طه: ۱۰۸).

۵. تلفظ های نادرست فرشته در برخی آیات و روایات، یک اشتباه بزرگ است که این موارد با استناد به منابع آنها در جدول شماره ۵ مشخص شده اند.

جدول شماره ۵. تلفظ های نادرست آیات و روایات توسط فرشته				
شماره قسمت	متن عربی	وضعیت تلفظ	کد تلفظ	
۱	(:)	فرشته آیه را درست می خواند	درست	هفتم
۲	(:)	فرشته « » را به اشتباه نصب	اشتباه	هشتم

جدول شماره ۵. تلفظ‌های نادرست آیات و روایات توسط فرشته				
کد تلفظ	وضعیت تلفظ	متن عربی	شماره قسمت	ردیف
	می‌دهد			
اشتباه	فرشته « » در روایت را «بنیته» می‌خواند.	. (کلینی، ج ۸، ۱۴۰۷: ۲۳۴)	هشتم	۳
اشتباه	فرشته «أمری» در روایت را «امر» می‌خواند.	. (مفید، ۱۴۱۳: ۱۹۱)	هشتم	۴
درست	فرشته آیه را درست می‌خواند	(زلزال: ۷)	چهاردهم	۵
درست	فرشته آیه را درست می‌خواند	. (بقره: ۱۸۶)	دهم	۶
درست	فرشته آیه را درست می‌خواند	. (نساء: ۷۹)	دوازدهم	۷
درست	فرشته آیه را درست می‌خواند	. (:)	دوازدهم	۸
اشتباه	فرشته «نُصَلِّیه» در روایت را با فتح «یا» می‌خواند.	. (:)	پانزدهم	۹
درست	فرشته آیه را درست می‌خواند	. (:)	هفدهم	۱۰
درست	فرشته آیه را درست می‌خواند	. (:)	بیست و یکم	۱۱
درست	فرشته آیه را درست می‌خواند	. (:)	بیست و یکم	۱۲
درست	فرشته آیه را درست می‌خواند	. (:)	بیست و سوم	۱۳
اشتباه	فرشته «یَعْمَلُونَ» در آیه را «یعلمون» می‌خواند.	. (:)	بیست و سوم	۱۴
٪ ۶۴/۳	درصد صحت تلفظ در کل سریال			
٪ ۳۵/۷	درصد نادرستی تلفظ در کل سریال			

تحلیل نشانه‌شناختی هم‌زمانی (جانیشینی: تقابل‌شناسی)

عناصر تقابلی در این سریال در انطباق با الگوهای تقابلی موجودیت فرشته

در مبانی اسلامی به شرح زیر است:

تمثل فرشته در تقابل با وجود مادی

فرشته از منظر قرآن کریم، قابلیت دارد برای مؤمنان وارسته، تمثل انسانی (در قالب انسان) پیدا کند (مریم: ۱۷). به این معنا که فرشته در حواس بینایی انسانی که او را می‌بیند به این صورت محسوس شود، و گرنه فرشته در واقع باز همان روح است نه بشر (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴ و ۳۵). آنها در واقع و متن امر نمی‌توانند به صور و اشکال مختلف درآیند و به ماهیت‌های مختلف از انسان و حیوان موجود شوند. این فرضیه (قابلیت تبدیل به ماهیت‌های مختلف) خلاف براهین فلسفه و آیات و روایات است (طهرانی، ۱۴۲۳: ۱ و ۲۴۲). بنابراین فرشتگان به لباس خاکی در نمی‌آیند و تنها با نوعی مکاشفه باطنی ادراک می‌شوند و مکاشفه‌ای که در فیلم به تصویر کشیده شده است، از نوع مکاشفات قلبی است که پس از قطع یا تقلیل تعلقات مادی از عالم طبیعت و ارتباط با عالم مثال می‌توان تجسم بعضی از معانی را دید (طهرانی، ۱۴۱۸: ۱۶۹). در این سریال نیز این تقابل به خوبی مراعات شده است؛ زیرا فرشته برای روح حاجی که در عالم کما است، تمثل یافته است و برای دیگران قابل مشاهده نیست.

جهان غیرمادی فرشته در تقابل با ...

جهان فرشته و حاج فتاح که مجرد از ماده و دارای وجه تمثلی در ادراک بشری است در برابر جهان دیگر اعضای خانواده حاج فتاح که در عالم ماده هستند، قرار دارد. صحنه‌های که به شکل «ال» است نیز نشان‌دهنده ادراک نداشتن اهل جهان ماده از عالم فرشته و تا حدی تمثل خوبی از این تقابل است که در بحث «عناصر بصری صحنه» بیان شد. البته جز این نمونه مثبت، رهیافت تکنیکی این سریال در جهان غیرمادی فرشته، اشکالاتی دارد که در

همان بحث گفته شد.

زیبایی فرشته و ظاهر مؤمنانه در تقابل با زشتی و ظاهر فاسقانه شیطان و نفس اماره

از نظر قرآن و حدیث، تمثیل فرشتگان باید در زیباترین «کالبد» و «رفتار» و «گفتار» باشد؛ زیرا قرآن کریم فرشتگان را مقربان الهی معرفی می‌فرماید که «نزد» خدا هستند (انبیاء: ۱۹ و ۲۰) (طباطبایی، ج ۱۴، ۱۴۱۷: ۲۶۶؛ طبرسی، ج ۷، ۱۳۷۲: ۶۷؛ فخر رازی، ج ۲۲، ۱۴۲۰: ۱۲۵). از طرف دیگر «عند الله» که همان بارگاه الهی است، منبع هر نوع کمال و فیض است که تنها بخشی از آن به جهان ماده سرازیر شده است (حجر: ۲۱) (طباطبایی، ج ۱۲، ۱۴۱۷: ۱۴۴). او همه نام‌های زیبا را دارد (حشر: ۲۴) بلکه به تعبیر دعا، زیبایی، تنها از آن اوست (کفعمی، ۱۴۰۵: ۲۴۷؛ مجلسی، ج ۹۱، ۱۴۰۴: ۳۸۴). بنابراین، بهره فرشتگان به تناسب و ظرفیت مقام قرب خود از آن کمالات، از جمله از زیبایی بسیار زیاد است. از طرف دیگر در آیات مربوط به جریان فرشتگانی که مهمان حضرت لوط علیه السلام بودند و نابه‌کاران قوم او قصد تجاوز به آنان را داشتند، از آیات قرآنی چنین استفاده می‌شود که آن فرشتگان در ظاهری بسیار زیبا تمثیل یافته‌اند (هود: ۷۷ و ۷۸) (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۰ و ۵۴). و بالاخره اینکه روایت ناظر به تمثیل جبرئیل در صورت جوانی بسیار زیبا در عصر رسول اکرم صلی الله علیه و آله به نام دحیه کلبی (ابونعیم اصفهانی، ج ۲، ۱۴۰۹: ۴۶؛ طبرانی، بی‌تا: ۱۲؛ مجلسی، ج ۴۳، ۱۴۰۴: ۹۴) نیز به نوعی از لزوم زیبایی در تمثیل فرشتگان خبر می‌دهد.

بنابراین تمثیل فرشته باید در کمال حسن باشد، چه حسن ظاهری و چه حسن در حرکات و چه در سخن گفتن و ارتباط برقرار کردن. از طرف دیگر، از مؤلفه‌های اصلی و بلکه جان‌مایه حسن و زیبایی، اعتدال است (ابن‌سینا، ۱۳۷۱: ۲۷۸؛ افلوطین، ۱۹۹۷: ۸۶). پس لازم است که فرشته تمثیل یافته در قامت و اندام و جوانی و پیری و... همگی برافروخته و دارای

کمال باشد که هم نماد جذابیت و جوانی و طراوت بوده و هم نور و وقار و عقل و خرد بر رخسار آنان هویدا باشد.

بر اساس مبانی مذکور، چهره‌پردازی «فرشته» در سریال ملکوت یک نقطه مثبت دارد که به این شرح است: تمثیل فرشته در قالب انسانی با شأنه افتاده و سربه‌زیر در این سریال، تصویری بسیار زیبا از حالت بُهم و خضوع فرشتگان است که در منابع دینی به آن توجه شده است (طوسی، ۱۴۱۱: ۲ و ۸۰۴). بُهم جمع اُبهم است یعنی ساکت و بدون سخن و خموش و بی‌زبان؛ چون حُمَر و صُفَر و سُود که جمع اَحْمَر و اَصْفَر و اَسْوَد است. و چون عالم بالا که عالم ملکوت است، عالم آرامش و سکون و سکوت است، به خلاف عالم طبع که عالم حرکت و گفتار و غوغا و دغدغه است. بنابراین از مأموران صف‌کشیده برای انجام مأموریت‌های خداوند به بُهم که دلالت بر سکوت و آرامش آنها دارد، تعبیر فرموده است (طهرانی، ج ۲، ۱۴۲۳: ۳۱۳). بر این اساس، گرچه فرشته در طول فیلم همواره اضطرابی در چهره داشت و دائماً در فکر نجات حاجی بود، وقاری ملکوتی که ناشی از توجه محض او به خدای متعال بود، در سیمای او موج می‌زد که نمودی از حالت بُهم فرشتگان است.

در این تمثیل، اشکالاتی نیز وجود دارد که با اصول یادشده سازگار نیست. زیرا فرشته این سریال، فردی است که زیبایی چندانی ندارد. به علاوه اینکه «کت» او قدری بلند است و این موضوع در کاهش جذابیت نقش، اثر دارد. همچنین چهره فرشته را سرد و غیرزنده نشان داده‌اند، حال آنکه فرشته باید مظهر حیات و زندگی باشد. در لحظات قسمت‌های اول در داخل مترو، فرشته را با نورپردازی سرد و پریده نشان می‌دهند که بیشتر چهره‌ای دور از رحمت و زندگی را متجسم می‌کند.

اشکال دیگری که در زیبایی چهره‌پردازی فرشته مطرح می‌شود، پیری

چهره اوست. طبق منابع دینی مذکور، فرشتگان باید با چهره جوانانی زیبا آشکار شوند. بنابراین، موی سفید و چهره تیره و صورت بی‌مو (ریش تراشیده‌شده) هیچ‌یک نمی‌تواند تجسم فرشته باشد و دو مورد اخیر بیشتر با ظاهر فاسقان سازگار است؛ زیرا قرآن کریم گناهکاران را در آخرت «روسپاه» معرفی فرموده است (آل عمران: ۱۰۶). همچنین تراشیدن ریش در شرع حرام است (امام خمینی، ج ۲، ۱۴۲۴: ۱۰۱۹؛ گلپایگانی، ج ۲، ۱۴۰۹: ۱۵؛ بهجت، ج ۳، ۱۴۲۸: ۱۵۱؛ خامنه‌ای، ج ۲، ۱۴۲۰: ۵۴) و برخی آن را محل اتفاق نظر فقهای شیعه می‌دانند (مجلسی، ج ۲، ۱۴۱۴: ۱۰۲).

در سکنس پایانی فیلم، «سرمست» داماد خائن و طمع‌کار حاجی تصادف می‌کند و ملک موکل او با ظاهر سپاه به سراغ او می‌آید و روح او را به سوی اعمالش می‌برد. سیاهی لباس و اندام فرشته قابض روح این فرد نابه‌کار، تمثیل عمل اوست؛ زیرا ترسناک بودن لحظه قبض روح برای گناهکاران و ظهور فرشتگان در آن لحظات به شکل‌هایی ترسناک که مظهر نعمت و خشم الهی هستند، یک اصل مسلم قرآنی است (سبا: ۵۱؛ محمد: ۲۷؛ انعام: ۹۳). درباره تمثیل سیاه فرشته قبض روح نیز می‌توان گفت مبنای درستی دارد. زیرا از طرفی فرشتگان بر حسب اعمال و صفات باطنی ما در مشاعر ما تمثیل می‌یابند و قرآن کریم نیز گناهکاران را در آخرت «روسپاه» معرفی فرموده است (آل عمران: ۱۰۶). از طرف دیگر قرآن فرموده است هر جزایی که ببینید، همان عمل شماست (صافات: ۳۹). در روایات نیز به سیاهی صورت فرشته قبض‌کننده روح فاسقان تصریح شده است (شعیری، بی‌تا: ۱۹۷؛ احسائی، ج ۱، ۱۴۰۵: ۲۷۴). بنابراین «سیاه دیدن» صورت فرشته هم عمل خود «سرمست» است؛ زیرا زشتی تمثیل فرشته در قبض روح نابه‌کاران از اموری است که در برخی روایات تصریح شده است (شعیری، بی‌تا: ۱۹۷؛ احسائی، ج ۱، ۱۴۰۵: ۲۷۴). پس، این زشتی به عمل آنان مربوط

می‌شود که فرشته در آینه عملی ایشان متمثل می‌شود، وگرنه ذات فرشته در هر حال زیبا است (طهرانی، ج ۱، ۱۴۲۷: ۲۴۱).

پیروی فرشته از خواست خدا در تقابل با ...

در قسمت بیست و سوم، وقتی حاج فتاح از فرشته خرق عادت درخواست می‌کند، پاسخ می‌گیرد که من اجازه ندارم و تنها با اذن و مشیت الهی می‌توانم کاری انجام دهم. این معنی از تعبد فرشتگان در برابر مشیت خداوند در قرآن کریم تأیید شده است (انبیاء: ۲۷).

در قسمت دهم، حاج فتاح به فرشته متوسل می‌شود تا او را از مشکلی که در آن گرفتار شده است، نجات دهد. اما فرشته او را نکوهش می‌کند و در جواب او می‌گوید: «تو هنوز خدا را نشناخته‌ای چون به اسباب و وسایل متوسل شده‌ای».

سرمست به عنوان نمادی از شیطان انسی در این سریال می‌تواند در مقابل این بُعد از شخصیت فرشته باشد، همانطور که هوای نفس حاج فتاح که در پاره‌ای اوقات او را به گمراهی وادار کرده است می‌تواند در برابر این بُعد از شخصیت فرشته باشد.

ملک موکل در تقابل با ...

ملک موکل، اصطلاحی الهام گرفته از قرآن کریم و روایات است. قرآن کریم ملک الموت را موکل بر قبض ارواح معرفی فرموده است (سجده: ۱۱) و دو فرشته حافظ اعمال انسان نیز موکل بر او شمرده شده‌اند (سیوطی، ج ۶، ۱۴۰۴: ۱۰۳؛ طباطبایی، ج ۱۸، ۱۴۱۷: ۳۴۷؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ۱۳۷۲: ۲۱۶). خداوند فرشتگان بسیار بیرون از شمار آفریده است که فرمانبران و مجریان اوامری هستند و هر بخش از آفرینش به گروه خاصی از فرشتگان ارتباط دارد که موکل آن بخش هستند (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۱۶۸). بنابراین ملک موکل

اصطلاحی عام برای همه فرشتگان است. همان‌طور که تعبیر فرشته موکل در دیگر روایات درباره موکل رحمت و موکل باران و موکل اوقات و... به کار رفته است (حلی، ۱۴۰۸: ۲۰۵، ۳۰۲ و ۳۱۰). بر این اساس باید گفت هر کاری در عالم به فرشته‌ای داده شده است و آن فرشته را موکل به آن کار می‌نامند (نراقی، ج ۳، بی تا: ۲۶۴).

فرشته «ملکوت» طبق اظهارات خود از دوران کودکی همواره با حاج فتاح بوده و او را به خیرات امر می‌کرده و اکنون هم مأمور کمک به حاجی شده است. زیرا همان‌طور که گفته شد، برای هر امری از اوامر الهی فرشته‌ای مأمور شده است و فرشتگان امدادرسان نیز همان‌طور که در چارچوب نظری (مبحث هستی‌شناسی فرشته در فرهنگ اسلامی از منظر شخصی) گفته شد، بخشی از این فرشتگان هستند.

بنابراین نقش این فرشته که موکل بر هدایت و یاری‌رسان حاج فتاح است، در تقابل با هوای نفس حاج فتاح که او را به فساد امر و وسوسه می‌کرده، ترسیم شده است. اما در معارف اسلامی، فرشته که الهام‌بخش است در برابر شیطان که وسوسه‌گر است، قرار دارد.

امداد غیبی فرشته در تقابل با ...

وقتی سرمست در تلاش است که به گونه‌های مختلف در اجرای وصیت حاجی اخلال ایجاد کند، فرشته به شکل‌های مختلف امدادهای غیبی الهی را نصیب حاج فتاح می‌کند و از رسیدن سرمست به هدفش ممانعت می‌ورزد. طبق قرآن کریم، این امداد، شأن فرشتگان الهی است (رک: چارچوب نظری تحقیق، مبحث هستی‌شناسی فرشته در فرهنگ اسلامی از منظر شخصی) که در این سریال به خوبی ترسیم شده است.

هدایت‌گری فرشته در تقابل با ...

این نقش در تقابل با نفس اماره و شیطان است که در بحث ملک موکل بیان شد.

رأفت فرشته به مؤمن در تقابل با ...

فرشته برای بازپرداخت دیون حاج فتاح تلاش می‌کند. همچنین در قسمت نوزدهم حاج فتاح با تندی و به صورت مطالبه‌گرانه و بلکه بی‌ادبانه با فرشته حرف می‌زند، اما فرشته هرگز آشفته نمی‌شود و از لطف و رحمت خود کم نمی‌گذارد. این تحمل و مدارا و بلکه مهرورزی و شفقت، بازنمایی آموزه قرآنی استغفار آنان برای بندگان و سلام ایشان بر مؤمنان است که آنان را از ظلمات به سوی نور خارج کنند (احزاب: ۴۳؛ غافر: ۷). همچنین در قسمت سی‌ام فرشته حاجی را در پذیرش بیمارستان رها می‌کند و خداحافظی می‌کند. سپس به پشت دیواری می‌رود و گریه می‌کند که این گریه نوعی نشانه^{۳۳۳} برای رحمت فرشته و رأفت او در حق حاج فتاح است.

در تقابل با این رفتار فرشته، داماد او یعنی سرمست برای اخفای بدهی او نقشه می‌ریزد و از مرگ او شاد می‌شود و حتی سعی می‌کند دستگاه تنفسی را زودتر از او جدا کند تا او بمیرد. بنابراین، او از این جهت در تقابل با شیطان انسی است. همان‌طور که هوای نفس حاج فتاح با او دشمنی کرده و سعی در فریب او دارد و از این جهت در تقابل با نفس اماره است.

الهام فرشته در تقابل با ...

در قسمت بیست‌ونهم، فرشته با القای آیه‌ای به آفاق درباره اهمیت عفو، بر اساس قرآن کریم او را به حلالیت طلبیدن از شریفه به کمک آن آیه وامی‌دارد و موفق می‌شوند حلالیت بگیرند. تثبیت مؤمنان به یاری فرشتگان (انفال: ۱۲) و فرود آمدن فرشتگان بر مؤمنان ثابت‌قدم و تقویت آنان برای

اینکه مژده یابند و نترسند (فصلت: ۳۰) از آموزه‌های قرآنی است. بنابراین قرآن این حقیقت را تأیید کرده است که ملائکه معانی‌ای جهت تثبیت مؤمنان القا می‌کنند، و این موضوع با وسواس شیطان و نفس و شک که در مبانی نظری شرح شد در تقابل است.

جدول شماره ۵. عناصر تقابلی در مقابل فرشته «ملکوت»			
مقابل		فرشته	
وجود مادی انسان	↔	وجود تمثلی فرشته	موجودیت
جهان مادی افراد صحنه	↔	جهان غیرمادی فرشته	هستی‌شناختی فرشته
دشمنی نفس و شیطان و شیاطین انسی	↔	رحمت فرشته	شخصیت‌پردازی فرشته
گمراه‌کنندگی نفس و شیطان و شیاطین انسی	↔	هدایت‌گری فرشته	
اخلال و کارشکنی نفس و شیطان و شیاطین انسی	↔	امداد غیبی فرشته	
وسوسه‌انگیزی نفس و شیطان و شیاطین انسی	↔	الهام‌گری فرشته	
سرکشی و عصبانیت نفس و شیطان و شیاطین انسی	↔	اطاعت و عبودیت فرشته در برابر خدا	
تکبر نفس و شیطان و شیاطین انسی	↔	خضوع فرشته در برابر خدا	
دروغ و ریاکاری نفس و شیطان و شیاطین انسی	↔	صداقت فرشته	
رفتار گناه‌آلود شیطان انسی و نفس	↔	رفتار مؤمنانه فرشته	
خودخواهی نفس و شیطان و شیاطین انسی	↔	اخلاص و دگرخواهی فرشته	
همراهی و هم‌زادی نفس و شیطان و شیاطین انسی	↔	همراهی همیشگی و هم‌زادی فرشته با انسان	
زشتی نفس و شیطان و شیاطین انسی	↔	زیبایی فرشته	چهره‌پردازی فرشته
ظاهر فاسق نفس و شیطان و شیاطین انسی	↔	ظاهر (لباس و مو و...) متقی، فرشته	

نتیجه‌گیری

یافته‌های این تحقیق، در دو بُعد یعنی نقد نشانه‌شناختی فرشته‌تمثل یافته در سریال ملکوت نشان داده است. در این سریال، خضوع و خشوع فرشته که همان شخصیت‌پردازی فرشته است، به زیبایی ترسیم شده است، اما تمثیل خوبی از پرداخت چهره‌ظاهری که همان تمثیل فرشته است، انجام نگرفته است. بازنمایی فرشته در این سریال با ریش تراشیده‌شده و لباس شلخته و گاهی با تلفظ نادرست آیات و روایات نمی‌تواند تمثیل درستی از فرشته باشد. زیرا بر اساس آیات و روایات فرشته باید در ظاهر لباس و گفتار و کردار در نهایت زیبایی و اعتدال و دلپذیری و نیز دارای چهره‌ای مؤمنانه باشد. همچنین این سریال نتوانسته است تمایز هستی‌شناسانه جهان فرشته با جهان ماده را به خوبی نشان دهد و تنها در یک نمونه، یعنی در صحنه حضور فرشته در کنار حاج فتح در حال «ال» شکل، این تمایز دلپذیر به خوبی نشان داده شده است. گریه فرشتگان که در این سریال تجسم یافته است، نمادی خوب و مقبول جهت تمثیل وجهه رحمانی فرشتگان است که روایات آن را تأیید می‌کند و اگر برخی آن را با آموزه‌های مسیحیت مقایسه کرده‌اند و در نتیجه آن را نادرست می‌دانند، استنتاج نادرستی دارند. زیرا یک آموزه درست را نمی‌توان به جهت وجود آموزه‌ای دیگر در دینی که دچار انحرافات شده است، نادرست دانست، بلکه باید نتیجه گرفت که آن دین در این زمینه دچار انحراف نشده است.

همزادی و همراهی فرشته با انسان در تقابل با نفس اماره و شیطان؛ اخلاص و دگرخواهی فرشته در تقابل با خودخواهی نفس و شیطان و شیاطین انسی؛ هدایت و ارشاد او در تقابل با اضلال نفس اماره و شیطان؛ تمثیل شیاطین انسی دارای تقابل با فرشته در وجود داماد حاجی؛ و تقابل امدادهای غیبی و الهی فرشته در تقابل با اخلال و کارشکنی نفس و شیطان

و شیاطین انسی، از نقاط موفق این سریال است که قرآن کریم و روایات، آنها را تأیید می‌کنند.

پیشنهاد تحقیق برای تمثیل دادن به فرشته در تولیدهای آینده این است که علاوه بر استفاده از نکات مثبت یادشده در این سریال، موارد زیر نیز مد نظر قرار گیرند:

۱. تمثیل دادن هنری رسانه‌ای به جهان غیب که ظرف وجودی

فرشتگان است باید با استفاده از عناصر بصری صحنه و نیز نورپردازی و چهره‌پردازی ویژه انجام شود تا بتوان جدایی جهان غیب از جهان مادی را در ماهیت و هویت، در عین همراهی و احاطه جهان غیب بر عالم ماده ترسیم کرد.

۲. چهره‌ظاهری فرشته باید در لباس و گفتار و کردار در نهایت

زیبایی و اعتدال و دلپذیری باشد. البته فرشتگان در قبض روح افراد ناصالح، به اشکالی زشت متمثل می‌شوند و در حقیقت، خود و ملکوت خود را در آینه آن فرشته مشاهده می‌کنند و این موضوع با زیبایی ذاتی فرشته منافاتی ندارد.

۳. ظاهر و گفتار و کردار فرشته باید طبق ضوابط شرعی بوده و

چهره‌ای مؤمنانه داشته باشد.

۴. در میان شئونات فرشتگان، امداد و هدایت الهی از مجرای

وجود آنان برجستگی خاصی دارد. این عنصر که در تقابل با تصرفات شیاطین انس و جن است، از دست‌مایه‌های دراماتیک و انسان‌سازی است که می‌تواند در آفرینش‌های داستانی و نمایشی کاربرد فراوان داشته باشد.

یادداشت‌ها

□. اگر در باره خلق به آشکار یا پنهان نیکی کنید یا از بدی دیگران بگذرید که خدا همیشه از بدی‌ها درمی‌گذرد با آنکه در انتقام بدان توانا است (نساء: ۱۴۹).

□□. «زبان بدن» از حرکات آشکار تا پرش پلک چشم در این مسیر از بنیادی‌ترین رسانه‌های ارتباط است (اسلین، ۱۳۹۱: ۳۷).

□□□. این گریه «نماد» رحمت و رأفت فرشتگان درباره مؤمنین است و همان‌طور که اصل وجود سینمایی فرشته تجسم حقیقت معنایی اوست، گریه هم می‌تواند تجسم رحمت او باشد. از طرف دیگر، این گریه نمادین مورد تأیید منابع دینی است؛ زیرا در زیارت امام حسین علیه السلام می‌خوانیم:

سلام بر کسی که فرشتگان آسمان بر او گریستند (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۴۹۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۳۵). و امام صادق علیه السلام در روایتی به صراحت از گریه فرشته بر هر مؤمنی که غریبانه از دنیا رود خبر داده است (برقی، ۷۶: ۲، ۳۷۰؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۱۴۱۳: ۲، ۲۹۹). و از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت است که: هر کس جنازه‌ای را ببیند و بگوید: «الله اکبر»، این است وعده خدا و پیامبرش که راست گفتند در وعده‌شان؛ خدایا ایمان و تسلیم ما را افزون فرما؛ سپاس خدایی را سزا است که با قدرت خود عزت‌نمایی می‌کند و بندگان را با مرگ، مقهور خود نموده است»، هیچ فرشته‌ای در آسمان نمی‌ماند، مگر اینکه بر صدای این فرد ترحم کرده و گریه می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷، ۳، ۱۶۸).